لزوم رفع مانعیت در ارتفاع قمر برای ترسیم هلال شخصی

(42:45)

شاگرد۲: یک احتمال دیگر می‌تواند متصور باشد که در تورنتو نقاط غیر متصل نوری به چشم ما می‌آید و ما آن‌ها را درک می‌کنیم، اماً٘ همان زمان در بوینس آیرس هلال هست.

استاد: این جور نیست. اگر می‌خواهید جو را داخلت بدهید قبول است. یعنی اولین نقاط نورانی که از رأس کوه‌ها تشکیل شده، با شدت و حجم بیشتری از نور است، خب این‌ها با فاصله کیلومترها از جو در می‌شود، بقیه‌ای که از لابه‌لای آن نقاط می‌آمد، چون ضعیف‌تر است پخش شده و نیامده است. خب پس مشکل از نقاط نیست. مشکل از این است که آن نوری که در جنوب به‌صورت هلال شفاف است، می‌خواهد همه اش با هم بیاید، لذا بخشی از آن از بین می‌رود.

شاگرد۲: یعنی در همه وجوه جو مانع است.

استاد: به عبارت دیگر، طبق ضوابط اُپتیک نور و ضوابط هندسی، نور دارد می‌آید. بقیه چیزها به مشکلات و موانع ناظر مربوط می‌شود. ما موانع ناظر را در موضوع اهلال هلال دخالت می‌دهیم که قابلیت هلال للرویه است. قابلیت خود هلال است، نه قابلیت من ِرائی تا آن نوری که می‌آید را ببینم. طبق قواعد فیزیک نور، نور دارد می‌آید، من نمی‌توانم آن را درک کنم. حالا بگویید اهلال هلال آن نشده؟! شده است.

شاگرد: این‌ها موانع تکوینی است. باید این‌ها را بپذیریم.

استاد: اگر تکوینی است، پس غبار را هم باید بپذیریم. اگر تکوینی است پس وقتی ابر هم هست، باید بپذیریم. و امثال این موارد.

شاگرد: همانطور که آن ظاهره سماویه است، این‌ها هم موانع تکوینی است. یعنی موانعی است که همیشه هست و قابل انفکاک نیست.

استاد: چرا نیست؟! و حال این‌که در موبایلتان که می رود آنجا به آقازاده تان می دهید همین نوری که آن جا می‌آید به چشمتان می‌بینید. یعنی این مسائل، اهلال هلال را از نفسیت نمی اندازد. چرا؟ چون دارم می‌بینم که برای من است. همین فرمایش شما را عده‌ای برای فجر دارند. می‌گویند اگر ابر بود و ای کذا بود، در غیر لیالی البیض شما نمازت را در اول وقت بخوانید. اما در سه شب لیالی البیض حق ندارید فوری با این اذان رادیو و محاسبه بخوانید. چرا؟ به‌خاطر این‌که لیالی مقمره امر سماوی دائم و مستمر برای همه جا است. لذا می‌گویند حق ندارید نمازتان بخوانید. آیا این حرف سر می‌رسد؟! سر نمی‌رسد. به این خاطر که فجر در افق تابیده است. الآن اگر شما بتوانید نور ماه را

جدا کنید، می‌توانید آن را ببینید. در مقاله‌ای که لینکش را گذاشته‌ام توضیح می‌دهند. بحث خوبی است. می‌گویند خداوند به چشم ما در شرائط نوری، حدی از قابلیت تفکیک را داده است. یک تارزی دارد. یک مینیمم و ماکسیمم‌ی برایش هست. چرا در روز هلال هست و آن را نمی‌بینیم؟ چون وقتی غروب کرد، نور خورشید کم می‌شود و فضای نور به حدی می‌رسد که چشم ما می‌تواند نور قمر را از نور شمس تفکیک کند. خب چنین فضایی در شب مقمر هم هست. نور ماه که نور فجر را از بین نمی‌برد. آن قدرت تفکیک من را پایین می‌آورد. من باید با قدرت تفکیک چشمم فجر در تاریکی را ببینم، نور ماه که می‌آید آن نور در افق را معدوم نمی‌کند.

شاگرد: چون در آن جا ملاک «یتبیّن لکم» است. ملاک همین قدرت تفکیک من است. لذا آن جا دلیل داریم و آیه شریفه را ملاک قرار می‌دهیم.

استاد: یعنی «یتبیّن لکم» بالفعل؟! لذا الکلام الکلام. پس در ابر هم «یتبیّن» نمی‌شود. اگر بالقوه است، جواب می‌دهیم که «یتبیّن لکم». یعنی اگر برفرض ماه را بردارید متبین می‌شود. به محاسبه قطعیه نجومیه می‌گوییم الآن نور شمس تابیده و فجر صادق طلوع کرده است. می‌گویید ماه است و نمی‌گذارد که ببینیم؟! می‌گوییم فرض کنید ماه نباشد، ببینید می‌توانید ببینید. وقتی «یتبیّن» درست است که قمر بیاید آن را از بین ببرد. وقتی از بین برد چه تبیّنی است؟! اما وقتی تبیّن تقدیری هست قاطعیه که هست ولی تبیّن بالفعل نیست، مثل زمانی است که ابر هست.

در شهرهای امروزی چه می‌فرمایید؟! نوع جاهایی که هوا غبارآلود است؟! نه، چراغ‌ها روشن است. خیلی مؤثر است؛ حتی در نقاط دور و برش. می‌دانید مساحت خود شهر چند کیلومتر است اما ات کیلومترها وج را روشن می‌کند؛ همین نور چراغ‌هایی که به طرف بالا می‌تابد. لذا فجر را نمی‌بینیم و چند دقیقه بعدش می‌بینیم. اینجا مسأله شرعی چیست؟

شاگرد: در تقدیری که چراغ‌ها نباشد را باید حساب کنیم. اما نمی‌توانیم چراغ قمری که خود شارع گذاشته را فرض بگیریم نباشد. خود شارع چراغ را گذاشته و با لحاظ آن گفته «یتبیّن لکم». لذا نمی‌توانیم تقدیر بگیریم که اگر نبود چنین می‌شود.

استاد: حال فرمایش ایشان را در لیالی مقمره تأمل می‌کنیم.

شاگرد: طبق مبانی آیت‌الله بهجت وقتی هلال زودتر غروب می‌کند و در وقت غروب بالا نیست، چه می‌شود؟

استاد: روی سبکی که از حاج آقا مدانم تقریباً اطمینان دارم که اگر همین موضوع را توضیح بدهیم که قبلش ددهایم و ...، می‌گویند کافی است.

شاگرد۲: همینجا صدق غروب نمی‌کند؟ عرفا بگوییم غروب کرد.

استاد: غروب کرد ولی قبلش آن را دیدیم. همین کافی است. من احتمال می‌دهم اینکه حاج آقا می‌فرمودند در وقت غروب داشته باشیم، اینجا می‌فرمودند مجزی است.

شاگرد: من از فرمایش شما فهمیدم که ملاک در اهلال هلال، امر تکوینی است، همه این شبهات برگشتش به این‌است که این امر تکوینی، تمام الموضوع برای حکم نباشد و تمام اصرار حضرتعالی بر این‌است که تمام الموضوع همین امر تکوینی است

استاد: ولذا می گویند قضا کنید و لذا می گویند سی روز که گذشت تمام، رؤیت و اینها دیگر نمی خواهد. یک مورد دیگر هم بود که شاهد بر همین بود. علی ای‌حال همینطور که می فرمایید دیگران

تلاش کردند و ایشان هم در «رسالهٔ» تلاش کردند رؤیت را قید ِموضوع بگیرند آن هم به نحو وصفی یعنی الهلال المرئی فی افق البلد، این فتوای نهایی‌شان شد

شاگرد۲: ببخشید شاید این تحلیل نور که شما فرمودید در نور شمس است در ظهر و طلوع و غروب؛ الآن در ظهر نمی شود به خورشید نگاه کرد اما در طلوع و غروب به راحتی می شود

استاد: بله أحسنت. در طلوع و غروب هم آن آقا چیزی گفته اند که من نرسیدم بحثش کنم در اینکه می گویند در طلوع و غروب جرم ِاصلی ِشمس زیر است با انکسار نور است که می بینیمو واردش نشدم والا یکی از چیزهایی که شعاعش می آید شکست نورش هم هست م شکست و هم فاصل بسیار طولانی که نمی شود هلال را دید.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #3
ایجاد شده 15 ژانویه 2026 13:49:02 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 ژانویه 2026 13:57:46 توسط ... .